

باب بیست و پنجم- لوح مبارک در جواب سؤالات تسعه

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از آثار حضرت عبدالبهاء - مائده آسمانی، جلد ۲، صفحه ۲۷ - ۳۰

باب بیست و پنجم- لوح مبارک در جواب سؤالات تسعه

حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه میفرماید قوله الاحلی:

هو الابهی

کرمان جناب شهریار اسفندیار پارسی، نامه‌ای که بتاريخ شهر شعبان ۱۳۳۸ مرقوم نموده بودید رسید سؤالاتی چند فرموده بودید که شرح و تفسیر می‌خواهد این بنده درگاه فرصت و مهلتی ندارد که بتحریر جواب پردازد این مختصر که مرقوم میشود از کثرت محبت و مهربانی است باید شکرانه خدای یگانه نمائید که جواب نامه نگاشته میشود ولی در غایت اختصار امّا جواب مفصل در زمانی که مشرف میشوی شفاها بیان خواهد شد.

سؤال اول- سمند ارجمند شاه گشتاسب کتیه از مقام سیر و حرکت آن بزرگوار بود آن سوار بر آن اسب در میدان مکاشفه و شهود جولان میداد و فرو رفتن چهار پای اسب بشکم اشاره بآنست که آن سمند از سیر باز مانده بود بعد حضرت زردشت ترتیل آیاتی نمود که چهار دست و پای اسب از شکم بیرون آمد یعنی آن سمند سعادتمند به سیر و حرکت آمد امّا چهار خواش حضرت گشتاسب از آنحضرت بزرگوار این واضح و آشکار است که سیر در ملأ اعلی بود خواب عبارت از آنست که منسلخ از عالم جسمانی باشد پر معنوی بگشاد و در عوالم روحانی سیر و سیاحت فرمود و موهبت ثانی را بجاماسب عطا کرد پرده گذشته و آینده بدرید و بدیده کاشف حقائق اسرار گذشته و آینده کشف کرد.

امّا زندگی جاوید این نصیب حضرت شاه خسرو شد یعنی حضرت شاه کیخسرو همچنانکه جانش زندگانی جاوید یافت نامش نیز حیات ابدیه یافت اینست که آوازه و صیت او جهانگیر گشت و الی الابد باقی و برقرار است.

امّا مسئله چاه نظیر مسئله چاه سرّ من رای است اوهم است آن بزرگوار بچاه فرو رفت ولی باوج ماه رسید

امّا روئین تنی اسفندیار اشاره از مقام بلندیست که تیر دشمنان و تیغ بدخواهان در آن مقام تأثیر ندارد این مقام باسفندیار عنایت شد



ORIGINAL

و ایام خمسه آزادی ارواح آن نیز از حواسّ خمسه است که جانها از حواسّ خمسه ظاهره آزاد گردند و بسرّ مکنون و رمز مصون پی برند یعنی رازی که باین حواسّ خمسه ادراک نشود بل بمکاشفه روحانی و دیده عقل ادراک گردد.

و اما صعود روح انسان بجهان پر فتوح البتّه کشف عالم جسمانی را مینماید زیرا هر رتبه عالی کشف رتبه سافل نماید لکن رتبه سافل کشف رتبه علیا نکند مثلاً انسان از عالم خاک بعالم انسانی آمده و عالم انسانی کاشف جهان خاکست و هم واقف بعالم نبات و همچنین مطلع بعالم حیوان جمیع را کشف مینماید ولی عالم خاک از عالم پاک انسان خبری ندارد و خیرات و مبرات که بجهت ارواح گردد البتّه تأثیر دارد .

اما شفاعت حضرت رسول مخصوص بامت رسول بود

اما سفره پریان و خوان اجنه که مصطلح اقوام مختلفه است این اوهام محض است و اما طلب حاجت در اماکن مقدّسه: چون آن اماکن منتسب بخدا است لهذا اشرف بقاعست البتّه طلب حاجات در اشرف بقاع مانند سایر جهات منتسب

و اما این جنگ خونریز عالم امیدم چنانست که در این عصر اوّل و ثانی بهاء الله منسوخ گردد

اگر چنانچه اسباب مهیا و روح و ریحان سفر ممکن اذن حضور دارید از خدا خواهم که اسباب راحت از برای شما میسر گردد و بامه الله فیروزه و دو عزیز فریدن و همایون از قبل من تحیت ابدع ابدی ابلاغ دارید عبدالهء عباس ع ذی الحجّه ۱۳۳۸ حیفاً انتهی